

مقدمه

به روزگار حکومت ال بویه در زمانی که جهان اسلام از منازعات عقیدتی و کلامی تلخ کام بود جمعی از روشن فکran مسلمان در رویای شیرین خویش به سوی مدینه ای فاصله پر می گشودند

اخوان الصفا در آرزوی بنای اجتماعی برین دعوتی را آغاز کردند که شعارهایش سیمای اصلاحگری دینی داشت و بر پایه ی نگرش وحدت گرایانه ای که به عالم داشتند سرچشمه ی همه ادیان را یکی می دیدند و بر این باور شدند که با برافراشته پرچم دانش و آگاهی چراغ تمدن اسلامی افروختن خواهد گرفت

زندگی و آرای کلی

اخوان الصفا به دلیل شیوه ی مخفیانه کارانه ای ک داشته اند بر زندگی انها ابهامات بسیاری سایه افکنده است به طوری که نام مولفان رسایل نیز به طور قطع معلوم نیست

تیرگی تاریخ اخوان موجب داوری های متضادی درباره ی آنان شده است چنانکه برخی آنان را از قرامطه میدانند که در اصل اسماعیلی اند

گوناگونی ارا و اظهارات اخوان بیشتر تناسی از تنوع منابع الهام ایشان است چنانکه خود منابع علوم خویش را چنین معرفی میکنند: (۱) کتب حکما و فلاسفه (۲) کتب انبیاء (۳) کتاب طبیعت (۴) جواهر نفوس و اجناس و انواع و جزئیات انها

منابع غیر اسلامی عقاید اخوان

اخوان در تبیین مقاصد خویش استفاده از تعالیم همه ادیان و مکاتب فلسفی را روا میدانسته اند و در موارد بسیاری از ترجمه منابع پهلوی و آثار یونانی و نیز از کتب آسمانی دیگر ادیان بهره برده اند . دغدغه اصلی اخوان توجیه و توضیح فلسفی برداشتهایشان از دین است و التزم همیشگی به یک مکتب فلسفی را ضروری نمیشمارند.

مذهب اخوان

علی رغم مبهم گویی اخوان رنگ شیعی تعالیم آنان چنان است که به آشکارا دیده میشود و بسیاری این رنگ را از پس پیچیدگی و ابهام نحوه نگارش رسائل دیده اند.

اخوان تمایلات شیعی نیز داشته اند و اهل بیت پیامبر (ص) را دارای دارای فضیلت و برتری بر دیگران میدانستند اما تعابیری دارند که با عقاید شیعیان ناسازگار است

اخوان از متهم شدن به تعصب بر مذهبی خاص پرهیز میکردند و علی رغم داشتن تمایلات قوی شیعی مبهم گویی میکردند و تظاهر به نوعی باز اندیشی می نموده اند.

سیاست اخوان

برخی همه هویت اخوان را در چهره ای سیاسی خلاصه کرده اند و در این راه به مبالغه رفته اند.

گروهی اخوان را از آن دسته جماعتی دانسته اند که مقصودشان غلبه بر قدرت های سیاسی بوده است و خلاصه گفتار ایشان که دین و مذهب مربوط به یک جماعت رنجبر است تمایلات سیاسی را از جمیع اجزا آن آشکار می سازد.

اخوان در میان عقاید جامعه شناسانه و تاریخی خود به موضوع اهل خیر و دولت اهل شر اشاراتی دارند و بر این عقیده اند که : هر دولتی را آغاز و پایانی است هر دولت چون به غایت و نهایت خود رسد به انحطاط و نقصان روی می آورد و در اهل آن سقوط و زوال آشکار میشود و در این زمان افرادی دیگر را توان و نشاط می رسد و هرروز حکومتی پا میگیرد و حکومتی دیگر فرو میریزد. دولت اهل شر و دولت اهل خیر چنین اند و امروز دولت اهل شر به پایان آمده و نوبت دولت اهل خیر رسیده است.

تشکیلات و مراتب اخوان الصفا

اخوان گروه خود را به ۴ مرتبه رده بندی می کنند:

۱- (اخواننا الابرار و الرحما) : ۱۵-۳۰ ساله اند و صفای نفس و استعداد و سرعت در فراگیری از ویژگی های این دسته است.

۲- (اخواننا الخیار و الفضلاء) : ۳۰-۴۰ ساله اند و مراعات برادران و سخای نفس و مهربانی و سودمندی و بخشایش و نیکی نسبت به برادران از ویژگی این دسته است.

۳- (اخواننا الفضلاء والکرام) : ۴۰-۵۰ ساله اند و دارای قدرت مدیریت و روحیه برخورد مناسب با مخالفان است.

۴- از ۵۰ سالگی فراترند و دارای قوه ای ملکوتی در مشاهده حقیقت هستند و همواره برای معاد آماده اند.

علاوه بر تقسیم اعضا به چهار رتبه آنان را به طی چهار مرحله با بهره گیری از تعالیم خود فرا میخوانده اند، که از این قرار است :

اول : اقرار به حقانیت آنچه اخوان می گویند که در این مرحله شخص مقلد است .

دوم : تصور حقیقتی که اخوان می گویند

سوم : تصدیق آن

چهارم : عمل و اجتهاد بر اساس آن

هر که این ۴ گام را بردارد چهار خصلت می یابد : توانایی نفس ، نشاط در طلب رهایی از جهنم نفس یعنی جسد ، امید و آرزوی رستگاری به هنگام جدایی جسم و نفس ، اطمینان به خداوند و یقین به تمامیت و کمال حقیقت

روابط اخوان با یکدیگر نیز برادرانه و صمیمی بوده است.

فصل اول دین و فلسفه

۱- فلسفه

فلسفه در نزد اخوان اشرف صنایع بشری بعد از نبوت است و به معنای تشبه به خداوند به میزان توان بشری است.

علوم حکمی و شریعت نبوی دو امر الهی با غرض و مقصودی واحد هستند و اختلاف آن دو تنها در فروع است و منازعات میان اهل فلسفه و اهل شرایع ناشی از عدم فهم مقصود یکدیگر است . یکی از منابع افکار اخوان کتب فلاسفه است.

مهمترین عامل گسیختگی نظام فلسفی اخوان التقاط گسترده است ولی عوامل دیگری مانند آمیزش گوناگون افکار فلسفی با قصص و حکایات و افسانه ها و سبک نگارش ترغیبی آنان نیز در این امر تاثیر بسزایی داشته است.

۲-دین

دین به عنوان مهمترین منبع از منابع چهارگانه معارف اخوان نقش حساسی در ترسیم چهره هستی به قلم ایشان دارد.

وحی ، شرایط و راههای دریافت آن

دین نتیجه رشد انسان و نیل او به مقام تلقی وحی است. هرکس که صفای نفس و قدرت فهم بیشتری دارد و افعال و سیره اش به ملائکه نزدیکتر است نفشش در قبول وحی و الهام تواناتر و درک معانی وحی بر او آسانتر است.

انبیا وحی را به سبب صفای نفوس و مجانست ارواحشان با ارواح فرشتگان دریافتند و نه به قیاسات منطقی و ریاضات حکمیه

نفس وحی را به ۳ شکل میپذیرد:

۱- در حال خواب زمانی که نفس حواس را ترک گفته باشد

۲- در حال بیداری با شنیدن صدایی به صورت اشارات از سوی شخصی که دیده نمیشود

۳- در حال بیداری و با شنیدن کلام شخصی که او را نمی بیند

اکثر انبیا وحی را در خواب دریافت می کرده اند.

اهداف دین

همه ادیان و مذاهب غرضی واحد دارند اگر چه شرایع و نسنن آنها با هم متفاوت باشد. برای صیانت چهره اجتماع از تعدی نسبت به شریعت حکومت لازم است تا همگان را به تبعیت از شریعت وادار سازد و از تخلف باز دارد.

یکی از اهداف و در عین حال روشهای دین آموزش عقاید صحیح و بهره برداری از آن در جهت تربیت انسان مطابق با الگوهای اخلاقی و عملی دین است. زیرا عمل به دستورات دین با تکلف ممکن نمیشود بلکه عمل صالح از عقیده صحیح بر می آید.

اهداف دین از دیدگاه اخوان :

۱- آموزش عقاید صحیح درباره انسان و جهان ۲- معرفی کمالات ممکن برای انسان

۳- آموزش آداب مناسب برای رساندن انسان به درجات کمال

۴- ایجاد شرایط لازم روحی برای حرکت دادن انسان در مسیر هدایت

عناصر دین

برای توسعه مدینه فاضله خود به برپایی بنایی چشم داشتند که در ساخت همین بناست که اولین و مبنایی ترین عقیده را توحید می دانند. توحید یعنی ایمان به خدایی آفریننده، حی، عالم، حکیم، قادر، قاهر، مرید و علت العلل که مالک و متصرف در همه اشیاء به حساب شایستگی هر یک است .

ایمان و کفر

۱- تصدیق شخص اعلمی که از چیزی خبر می دهد و ما آن را نمیدانیم که پدید آورنده علم است و بر آن تقدم زمانی دارد.

۲(۱): ایمان ظاهری و اقرار به خداوند و ملائکه و انبیاء و کتب آسمانی و معاد

۲(۲): ایمان باطنی و یقین قلبی به آن امور است . این رتبه ، حقیقت ایمان است.

ایمان خصلتی است که دربردارنده همه خیرات بشر و فضایل ملائکه است و درمقابل ، کفر خصلتی است جامع همه شرور بشری و رذایل شیطانی.

کفر مرحله ایست که نفس به دلیل غوطه ور بودن در جهالت ذاتش بر او پوشیده می ماند و جوهر خویش را نمیشناسد.

فهم دین

آنان فهم اسرار احکام را نیز از دسترس عقول خارج نمیدانند و از همین رو برخی مدعیان فلسفه که احکام شرع را خلاف مقتضای عقل می یابند در نظر اخوان متهم به قصور فهم و عجز معرفت هستند. آنان فهم حکمت احکام شریعت را منوط به کلی نگری میدانند و معتقدند باید همه جوانب امور را بررسی کرد و صلاح عمومی و آینده را نیز در نظر داشت تا حکمت احکام الهی روشن شود.

اخوان به رمزی بودن کتب آسمانی معتقدند و به آن تصریح میکنند.

عالمان دین و مراتب آها

اخوان بر این اعتقادند که اولین ستون و محکمترین رکن ایمان تبعیت از اوامر و نواهی اصحاب نوامیس الهی (نبی و علما) است. علمای احکام ناموس به همراهی دیگر طوایف انصار و ارکان ناموس که هشت طایفه اند پاسدار دین خدا هستند. اگرچه هشته طایفه و وظیفه دار پاسداری از دین خدایند و پیروی از عالمان بر عوام ضروری است ولی بهره مندی از علم دین اختصاصی نیست و همه مردم باید از معارف دین بهره گیرند.

فصل دوم

انسان

اخوان شناخت انسان را بسیار ارج مینهند و شناسایی مسیر و مراحل حیات او را از آغاز پیدایش تا پایان حیات مادی و بلکه تا عوالم آخرت وجهه همت خویش مینهند.

آنان با الهام از قرآن کریم مراحل زندگی جنین را مورد توجه قرار داده اند و درباره ویژگیهای هر مرحله و زمان پدیدآمدن آن و نیز در خصوص عوامل موثر بر رشد جنین نیز به بحث پرداخته اند.

انسان ترکیبی از جسم و جان

تعریف اخوان الصفا از انسان: انسان گرد آورده از جسدی جسمانی با بهترین صورتهای و نفسی روحانی از برترین نفوس است.

بالاترین مرتبه جسد انسان عزت و سلطنت بر اجساد هموعان خویش و غلبه بر آنها با قوه غضبیه است و بالاترین مرتبه نفس انسان قبول وحی است که به سبب آن بر هموعان خویش برتری گیرد و به واسطه معارفی که از آن رهگذر به قوه ناطقه اش دریابد بر دیگران غالب شود.

دوگانگی ماهیت انسان اقتضا میکند که بهره های او نیز متفاوت باشد. بهره های مادی او مانند مال و متاع دنیاست و بهره معنوی او همچون علم و دین است. یکی لذت های دنیایی و دیگری لذت های اخروی را فراهم می آورد.

چگونگی و حکمت ارتباط نفس با جسد

اخوان رابطه جسد با نفس را به رابطه خانه با ساکنان آن و یا شهر و اهالی آن تشبیه میکنند و در نتیجه هریک از اعضای بدن را به اجزای شهر و یا خانه تشبیه میکنند و برای آن عضو کارکردی شبیه به کارکرد آن قسمت از شهر یا خانه قائل میشوند.

تجرد نفس

مرکب بودن ماهیت انسان و وجودیافتن از ترکیب دو جوهر متفاوت سهم مهمی در آرای اخوان دارد به طوری که اعتقاد به برخی از عقاید ناصواب را ناشی از باور نداشتن به وجود مستقل و مجرد نفس میدانند. غفلت از نفس نیز موجب هلاکت و گرفتار آمدن به عقاید کفر آمیز میشوند و کسی را که شناسای نفس خویش نباشد محروم از ادراک امور روحانی میدانند و فرجام کارش را انکار حقایق معنوی میبینند.

انواع نفس در انسان

اخوان پس از تشریح جسم انسان و بیان چگونگی پیدایش آن از عناصر اربعه در نهایت سه قبیله را ساکن در این جسد میدانند که عبارت اند از: نفس شهوانی و نفس حیوانی و نفس ناطقه
نفس شهوانی اخلاق و افعالی چون جن دارد و نفس حیوانی به انس شبیه است و نفس ناطقه مانند ملک است. رئیس این سه عقل نام دارد.

مراتب نفس

نفوس ۱۵ مرتبه اند نفس انسانی رتبه میانی را در این جمع داراست که هفت مرتبه در فوق و هفت مرتبه تحت آن واقع است. اخوان ۵ مرتبه از آن را معرفی میکنند: ۱) نفس قدسیه که رتبه نبوت است ۲) نفس ملکیه که آن را رتبه حکمیه خوانند ۳) نفس انسانیه ۴) نفس حیوانیه ۵) نفس نباتیه

مراحل رشد انسان

۱) نفس کودک ، عاقل به القوه

۲) نفس بالغ ، عاقل به الفعل است

۳) نفوس عقلا ، عالم به القوه اند

۴) نفوس علما ، علامه بالفعل و فلسفیه بالقوه است

۵) نفوس فلاسفه ، حکما بالفعل هستند

۶) حکمای اخیار ، ملئکه بالقوه اند

قوای نفس

نفس دارای ۵ قوه روحانی است: باصره ، سامعه ، لامسه ، ناطقه و صانع قوای جسمانی اند و متخیله ، مفکره ، حافظه ، ناطقه ، صانع قوای روحانی اند.

نفوس سه گانه (نباتی حیوانی ناطقی) به منزله اجناسی هستند که این قوا انواع آنهایند و افعال این قوا به منزله اشخاص ایشان است.

قوای روحانی نفس نیز با جسم در ارتباط اند به طوری که قوای تخیل تفکر و حافظه به ترتیب در مقدم و وسط و موخر مغز جای دارند.

فصل سوم

شناخت

معلومات انسان سه نوع است: محسوسات ، معقولات و امور الهیه

راههای شناخت

علم انسان به معلومات خویش از سه راه است: اول حواس پنجگانه که از کودکی آغاز و در انسان و حیوان مشترک است.

دوم از طریق عقل که فصل انسان از حیوان است و از دوره بلوغ شروع میشود.

سوم برهان است که مخصوص قومی از علماست که بعد از نظر در ریاضیات هندسیه و منطقیه به آن دست یافته اند.

ادراک عقلی و برهانی هردو مستند به قوه تعقل انسان هستند ولی ادراکات برهانی از طریق قیاس منطقی حاصل می آیند.

نفس انسان در میان موجودات رتبه وسطی را داراست یعنی برخی موجودات همچون باری تعالی و عقل از او بالاترند و برخی مانند طبیعت و اجسام از او فروترند

در جایی تشبیهی برای کسب معارف آورده اند که : علم برای نفس همچون غذا برای جسد است و در آداب غذا خوردن گفته اند : با سه انگشت غذا بخورید و این رمزی است که نفوس نیز از سه راه کسب معارف میکنند :

۱) قوه فکر و معقولات و انبیا از همان طریق وحی را از ملائکه دریافت کرده اند

۲) گوش که نفس از راه آن معانی لغات را درمی یابد

۳) چشم که نفوس از طریق آن موجودات حاضر را مشاهده میکنند.

ادراک حسی

حواس و قوای آنها اهمیت زیادی دارند به طوریکه اخوان معتقدند هرکس را حسی نباشد معرفتی نیست.

حافظه

صور اجناس و انوعی را که نفس به واسطه قوه مفکره خود انتزاع نموده و در ذات خود منقش ساخته را میپذیرد و با خود حمل میکند و نفس که از حیث روحانی بودن و لطافت قوی تر از هوا و نور است آنچه را که توسط قوه مفکره تصور کرده را با قوه حافظه نگاهداری میکند بی آنکه اختلاطی بین آن صورتها رخ دهد.

سه قوه حسیه و ذائقه و شامه را از ادراک جسمانی دانند چون به تماس نیاز دارند ولی قوه سامعه و باصره را از ادراک روحانی دانند زیرا به تماس نیازی ندارند.

الم و لذت

این ادراک با این حکمت در وجود انسان نهاده شده است تا آلام ، او را به حفظ خویش از آفات وا دارد و لذات او را به جلب منافع و دفع ضرر ها برانگیزد.

درد خروج مزاج از حالت اعتدال است و لذت رجوع مزاج به حالت اعتدال است.

هر محسوسی که مزاج را از حال اعتدال خارج کند حس انسان آن را مکروه میدارد و از آن متألم میشود و آنچه مزاج را به حالت اعتدال در آورد نفس آن را دوست میدارد و از آن لذت میبرد.

لذت جسمانی در برابر لذت روحانی قرار دارد که بر دو نوع است :

۱- لذت شهوانیه طبیعییه هنگام تناول طعام و شراب

۲- لذت حیوانیه که دو نوع است : لذت جماع و لذت انتقام

لذت روحانی نیز دو نوع است :

۱- انسانیه فکریه ، که به هنگام مقارنت نفس با جسد پدید می آید

۲- روحانیه ملکیه ، که در وقت مفارقت از جسد ، نفس آن را درک میکند.

خطای حواس

اخوان معتقدند هرچه واسطه در ادراک کمتر باشد احتمال خطا کمتر میشود . به همین دلیل خطای سامعه کمتر است زیرا تنها واسطه اش هوا است که گاه به سبب غلظت و یا رقت آن وصل محسوس به سامع آن گونه که باید صورت نمیگیرد و خطا حاصل می آید.

جایگاه ادراک حسی

دامنه تاثیر ادراک حسی در نظام ادراکی انسان به قدری وسیع است که بدیهیات را نیز شامل میشود. معلومات ضروری از نظر اخوان از طریق استقرار امور محسوس پدید می آیند.

ادراک عقلی و برهانی

اخوان در توانایی عقل برای شناخت هستی تردیدی ندارند و عدم پرهیز از ارتکاب تناقض در آراء را منشأ خطای عقل میدانند. در نظر آنان اکثر معلومات انسان از طریق قیاس فراهم آمده اند و قیاس تالیف مقدماتی است که از بدیهیات هستند که از کودکی آغاز میشود.

اخوان منطق را بر دو قسم و طبعا منطق را نیز دونوع میدانند :نطق جسمانی که همان تکلم و گفتار است و نطق فکری که امری روحانی و معقول است مانند تصور اشیاء

منطق به عنوان روش صحیح منطق نیز دو گونه است :منطق لغوی که همان فنون ادبی است و منطق فلسفی که همان منطق متداول امروزی است.نطق فکری فصل انسان قلمداد میشود.

خطا در ادراک عقلی

آنان میگویند چون انسان در تعمیم و تسری آنچه در اطرافش میبیند و با آن مأنوس است گاه مبالغه میکند و در پاره ای از ادراکات خود دچار خطا میشود.

دو موضوع حساس معرفت شناختی :

یکی درمورد دانسته های پیشین و نقش آن در ادراک است.

دومی استقرار است.

معرفت شهودی

توان معرفتی عقل و به طور کلی ادراک انسانی محدود به محسوسات و یا معقولات به معنای نتیجه قیاسی و برهانی نیست بلکه انسان و قوه عقلانی او فارغ از صغری و کبرای منطقی نیز توان رسیدن به معلوماتی را دارد.

معلومات انسان گاه از طریق تعلیم ملکی که بی نیاز از تعلم است و گاه از طریق تعلیم بشری ناشی است که نیازمند دانش آموزی است.

کمال انسان و راه رسیدن به آن

خداوند انسان را قوا ، اعضا و صورتی داد که برتر از همه حیوانات و مالک تمامی آنها باشد و به لحاظ ساخت روحی او را چنان آفرید که علاوه بر احساس ، ادراک و مختار بودن ، پذیرش همه خلقها و یادگیری همه علوم و معارف و سیاست بر او ممکن باشد.

فصل چهارم

اخلاق

اخلاق طبیعی و اکتسابی

اختلاف طبایع انسانها باعث تفاوت اخلاق طبیعی آنان است. بعضی بر بعضی افعال آماده ترند و برخی در بعضی دیگر نه بلکه آنان در اظهار آن افعال نیازمند فکر و تلاش اند.

اخلاق طبیعی غیر اکتسابی است و اخلاق اکتسابی منشأ مدح و ذم ، ثواب و عقاب و ترغیب و ترهیب است زیرا این اخلاق فعل اختیاری انسان شمره می شود.

اخلاق انسان مانند طبایع او چهارگانه است :

۱- طبیعی که در سرشت و خلقت انسان است (در دسترس اراده و اختیار انسان نیست)

۲- نفسانیه اختیاریه (کاملاً در اختیار انسان است)

۳- عقلیه فکریه

۴- ناموسییه سیاسیه

منشأ اختلاف اخلاق

۱- عناصر اجساد و ترکیب آنها

۲- خاک مناطق و شهر خا و هوای آنها

۳- رشد بر اساس خوی و عادت پدران و معلمان و مربیان

۴- وضعیت ستارگان و اجرام آسمانی به هنگام ولادت (این مورد اصل و دیگر موارد فرع است)

دنیا و آخرت

دنیا و آخرت دو مرحله متقابل با اسامی ، معانی ، حقایق و اوصاف متقابل ، متخالف و متضاد هستند.

مردم را از لحاظ سعادت دنیا و آخرت به ۴ گروه تقسیم میکنند:

(۱) سعادت‌مندان دنیا و آخرت (۲) سعادت‌مندان دنیا و اشقیای آخرت (۳) اشقیای دنیا و آخرت (۴) اشقیای دنیا و آخرت

اعتدال

در خصوص ریشه های اخلاق ناپسند اخوان بر این عقیده اند که هرگاه آن دسته از صفات نفسانی همچون کبر و حرص و حسد که در سرشت انسان وجود دارند در موقع خویش و به اندازه و آنگونه که شایسته است بروز کنند ، نه تنها مذموم نیستند بلکه ممدوح اند. این سخن ناشی از جایگاهی است که اعتدال در نظام فلسفی اخوان دارد.

زهد

زهد یعنی ترک دنیا و شهوات آن و رضایت و قناعت به اندک از نیازهای ضروری. داشتن جسم سالم و حافظه قوی و فهم توانا و قلب نورانی و خواب اندک و عفت و پاکدامنی و..... از ویژگی های زاهدان است. زهد کلید همه نیکی ها و رغبت به دنیا کلید تمام شرور است.

عادت

عادت به معنای رفتاری است که در اثر تکرار برای انسان ملکه میشود و از او به سادگی جدا نمی گردد و مورد توجه اخوان بوده است.

عشق

با تعبیری چون جنون و بیماری یاد میشود و در جای دیگر عشق را شدت شوق به اتحاد معرفی میکنند و در توضیح آن میگویند که اتحاد ، خاصیت امور روحانی و احوال نفسانی است.

آغاز عشق ، نظر و التفات به سوی معشوق است، این نظر چون کشت دانه در زمین است. نخست عاشق قرب معشوق را میطلبد و چون به مقصود رسد خلوت و مجاورت میجوید.

عشق سه نوع است :

۱) عشق به مأكول و مشروب و منکوح

۲) عشق به قهر و غلبه و حب ریاست

۳) عشق به معارف و کسب فضایل

تعریفی که اخوان از عشق ارائه میدهند تا حدود زیادی بیان کننده ظرفیت بالای روح و روان انسان است ، ولی این تعریف در میان عباراتی قرار گرفته که از رنگ عرفانی دیدگاه ایشان می کاهد.